



روحانی تراز از نگاه رهبر شهید در گفت‌وگو با ابوالحسن نواب، عضو جامعه روحانیت مبارز

روحانیت باید پاسخگوی مسائل روز باشد

کروه سیاسی / در روزهایی که مراسم تشییع رهبر شهید به یکی از مهم‌ترین رویدادهای اجتماعی کشور تبدیل شده است، حجت‌الاسلام والمسلمین ابوالحسن نواب، عضو جامعه روحانیت مبارز در گفت‌وگو با روزنامه ایران به بررسی ابعاد شخصیتی، فکری و مدیریتی ایشان پرداخت. وی با تأکید بر نقش رهبر انقلاب در شکل‌دهی به گفتمان مقاومت، تبیین جایگاه روحانیت، تقویت استقلال کشور و پیوند میان ایرانیت و اسلامیت، حضور گسترده مردم در مراسم تشییع را نشانه‌ای از انسجام ملی و جایگاه ویژه ایشان در حافظه تاریخی ملت ایران توصیف کرد.

مردم ایران با حضور گسترده در مراسم تشییع رهبر شهید، صحنه‌ای کم‌نظیر را رقم زده‌اند. این حضور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به اعتقاد من، مردم ایران امروز صرفاً در مراسم تشییع یک شخصیت سیاسی یا یک مسئول حکومتی حضور پیدا نکرده‌اند؛ بلکه در واقع بخشی از تاریخ، هویت و تمدن معاصر خود را بدرقه می‌کنند. وقتی از شخصیتی سخن می‌گویم که بیش از سه دهه در جایگاه رهبری نظام جمهوری اسلامی قرار داشته و پیش از آن نیز دو دوره ریاست جمهوری را تجربه کرده است، در حقیقت درباره بخش قابل توجهی از تاریخ معاصر ایران سخن می‌گویم.

۳۷ سال رهبری کشور، همراه با هشت سال ریاست جمهوری، به معنای دهه‌ها حضور مستمر در عالی‌ترین سطوح تصمیم‌گیری و هدایت جامعه است. طبیعی است که چنین دوره‌ای، صرفاً یک مسئولیت‌داری یا سیاسی تلقی نشود، بلکه به بخشی از حافظه تاریخی یک ملت تبدیل گردد. از همین رو، مراسم وداع و تشییع را باید فراتر از یک آیین تشییع دانست؛ این مراسم، بدرقه یکی از اثرگذارترین شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران است.

در طول این سال‌ها، ایشان کوشیدند اندیشه‌ای را دنبال نمایند که محور اصلی آن، مقاومت در برابر باطل، مقابله با استکبار و ایستادگی در برابر سلطه‌طلبی قدرت‌های جهانی بود. این گفتمان، به باور من، به تدریج از مرزهای

ایران و حتی جهان اسلام فراتر رفت و به یک فرهنگ و ادبیات جهانی تبدیل شد. بسیاری از ملت‌ها و جریان‌های استقلال‌خواه، این اندیشه را به عنوان الگویی برای حفظ استقلال و هویت خود مورد توجه قرار دادند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این رویکرد، مقابله با نظام یک‌قطبی حاکم بر جهان بود؛ نظامی که تلاش می‌کرد یک قدرت، یک فرهنگ و یک الگوی سیاسی را بر همه ملت‌ها فرهنگ‌های جهان تحمیل کند. از نگاه ایشان، جهان نباید در انحصار یک قدرت قرار گیرد و ملت‌ها حق دارند مسیر مستقل خود را انتخاب کنند. به اعتقاد من، همین نگاه زمینه‌ساز تحولاتی شد که بعدها در عرصه بین‌المللی شاهد آن بودیم.

من بر این باورم که پس از تثبیت این گفتمان، کشورهای مانند چین و روسیه نیز با جدیت بیشتری وارد عرصه شدند و نوع مواجهه ایشان با روحانیت، ترکیبی از دلسوزی، همدلی و نقد بود. ایشان از یک سو، عمیقاً نسبت به آینده روحانیت شیعه احساس مسئولیت می‌کردند و معتقد بودند این نهاد باید همچنان نقش تاریخی و تمدنی خود را در جهان اسلام حفظ کند و مرجع اثرگذاری فکری و فرهنگی باقی بماند. در عین حال، این دلسوزی هرگز مانع نقد نمی‌شد.

یکی از موضوعاتی که خود شما همواره درباره آن سخن گفته‌اید، نگاه رهبر شهید به روحانیت است. شما چه مؤلفه‌های متمایزی را در نگاه ایشان به روحانیت قابل تأمل می‌دانید؟

درباره این موضوع پیش‌تر نیز مقاله‌ای نوشته‌ام و معتقدم نوع مواجهه ایشان با روحانیت، ترکیبی از دلسوزی، همدلی و نقد بود. ایشان از یک سو، عمیقاً نسبت به آینده روحانیت شیعه احساس مسئولیت می‌کردند و معتقد بودند این نهاد باید همچنان نقش تاریخی و تمدنی خود را در جهان اسلام حفظ کند و مرجع اثرگذاری فکری و فرهنگی باقی بماند. در عین حال، این دلسوزی هرگز مانع نقد نمی‌شد.

روحانیت آنها دخالتی نداشته باشد. رهبر شهید انقلاب در عین احترام به این دیدگاه، معتقد بودند که می‌توان میان استقلال حوزه‌ها و حمایت نظام جمع کرد؛ یعنی حکومت وظیفه حمایت مادی و معنوی را برعهده داشته باشد، اما مدیریت علمی و اجرایی حوزه‌ها همچنان در اختیار مدرسان و مراجع تقلید باقی بماند. بر همین اساس، ایشان هیچ‌گاه از کمک و پشتیبانی از حوزه‌های علمیه دریغ نکردند.

در بسیاری از استان‌ها و حتی شهرستان‌های کشور، با حمایت ایشان، ائمه جمعه در تأسیس روحانیت علمیه و تربیت طلاب نجف در قم، نقش کلیدی ایفا کردند تا نیازهای دینی و فرهنگی هر منطقه از طریق نیروهای بومی تأمین شود.

در طول ۳۷ سال رهبری، ارتباط ایشان با روحانیت همواره مستمر و فعال بود. جلسات متعددی با علما برگزار می‌کردند، از آنان دعوت می‌شد و گفت‌وگو می‌شد و مسائل مختلف علمی، فرهنگی و اجتماعی مورد بحث قرار می‌گرفت.

بد نیست اشاره کنم که در دوران ریاست جمهوری ایشان و در زمانی که مسئولیت دبیرگی حزب جمهوری اسلامی را برعهده داشتند، شاخه روحانیت حزب فعال بود. در همان مقطع، از من خواستند مسئولیت سازماندهی این شاخه را برعهده بگیرم تا بتوانم علما را دعوت کنم، جلسات منظم برگزار کنم و برای فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی برنامه‌ریزی داشته باشیم.

این مسئولیت را پذیرفتم و در تهران مرکزی برای این منظور تأسیس شد. جمعی از علما و ائمه جمعه با حضور در همایش‌های فرهنگی و اجتماعات، همواره این موضوع را به‌طور هفتگی در این جلسات حضور پیدا می‌کردند و همین روند در استان‌ها نیز دنبال می‌شد.

البته در آن زمان برخی از علما معتقد بودند که روحانیت نباید وارد فعالیت‌های حزبی شود، اما نظر رهبر شهید انقلاب این بود که علما نیز به‌عنوان صاحبان اندیشه و نظر، می‌توانند در چارچوب قانون در فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشته باشند. این ارتباط، چه در قالب فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی و چه پس از آفتاب‌گردان رهبری در قالب دیدارها، نشست‌ها و ملاقات‌های مستمر با علما، همواره ادامه یافت و به یکی از ویژگی‌های ثابت سیره مدیریتی ایشان تبدیل شد.

هر زمان احساس می‌کردند روحانیت به سمت خمودی، روزمرگی یا فاصله گرفتن از نیازهای زمان حرکت می‌کند، با صراحت نسبت به آن هشدار می‌دادند. ایشان معتقد بودند روحانیت باید همواره زنده، پویا، زمان‌شناس و پاسخگوی مسائل روز باشد و نباید در چارچوب‌های بسته و ایستا متوقف شود.

از نگاه ایشان، روحانی تراز، کسی است که علاوه بر دانش حوزوی، اهل تحقیق، پژوهش، نویسندگی، سخنوری و ارتباط مؤثر با نسل‌های جدید باشد. روحانیت مطلوب، روحانیتی است که مسائل جامعه را بشناسد، با مردم زندگی کند و مسئولیت اجتماعی خود را فراموش نکند.

اگرچه خود ایشان هرگز چنین تعبیری را درباره خویش به کار نمی‌بردند، اما بسیاری از شاگردان و علاقه‌مندان ایشان معتقد بودند که ایشان خود نمونه‌ای از همین الگوی مطلوب بودند؛ شخصی که هم پژوهشگر بود، هم نویسنده، هم سخنران، هم اهل مطالعه و هم پیگیر مستمر مسائل فکری، فرهنگی و اجتماعی. همین ویژگی‌ها سبب شده بود که در کنار جایگاه رهبری، همواره نقش یک معلم و اندیشمند را نیز ایفا کنند.

اگر بخواهیم به شیوه مدیریت کشور در دوران رهبری ایشان اشاره کنیم، مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره را چه می‌دانید؟

اگر بخواهیم عملکرد ایشان را در عرصه مدیریت کشور مرور کنیم، به نظر من چند محور اساسی پیش از همه قابل توجه است. نخست آنکه ایشان همواره بر استقلال کشور تأکید داشتند و معتقد بودند جمهوری اسلامی باید تا حد امکان در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه‌های راهبردی، به خودکفایی برسد. از همین رو، تقویت توان داخلی، افزایش ظرفیت‌های دفاعی و حرکت در مسیر استقلال سیاسی، اقتصادی و امنیتی، از جمله سیاست‌هایی بود که به‌طور مستمر دنبال می‌شد.

سه فراز قابل تأمل در وداع و تشییع رهبری

آن به هویتی پایدار و مقاوم تبدیل می‌شود. این هویت، در برابر فشارها و صف‌بندی‌های سیاسی قدرت‌های بزرگ، از خود استحکام و پایداری نشان می‌دهد و به آسانی دچار فروپاشی نمی‌شود.

مراسم تشییع رهبر شهید را نمی‌توان صرفاً یک آیین سوگوار یا تشییع اجتماع گسترده مردمی دانست. این رخداد از منظر اجتماعی، دست‌کم سه لایه مهم و قابل تأمل دارد: بعد تاریخی، تمدنی، بُعد روان‌شناختی. اجتماعی و بُعد آینده‌نگرانه. نخست، این حضور گسترده مردمی ریشه در پیشینه‌های دینی ایران دارد؛ تمدنی که طی قرن‌ها در بستر تاریخ شکل گرفته و پس از پذیرش اسلام، نته‌ها دچار گسست نشده، بلکه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های معرفتی و معنوی اسلام، به مرحله‌ای تازه از بلندی رسید. از این منظر، چنین تشییعی پدیده‌ای مقطعی یا احساسی نیست، بلکه بازتاب مؤلفه‌های عمیق یک تمدن تاریخی است که همچنان در رفتار اجتماعی مردم ایران جلوهگر می‌شود.

شگفتی ناظران داخلی و خارجی و عظمت این مراسم نیز از همین واقعیت ناشی می‌شود. حضور گسترده مردم، افزون بر ادای احترام به مقام شهید، حامل پیام‌هایی روشن بود؛ پیام ایستادگی، نرسیدن در برابر تهدیدها، مطالبه عدالت در برابر تجاوز و جنایت و نمایش انسجام ملی. این انسجام، سرمایه‌های اجتماعی است که در بزنگاه‌های تاریخی خود را آشکار می‌کند و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی به شمار می‌رود.

دومین بعد این رویداد، جنبه روان‌شناختی و اجتماعی آن است. ملت ایران در چنین صحنه‌هایی، هویت جمعی خود را بازتعریف و تثبیت می‌کند. هنگامی که یک جامعه بر پایه ارزش‌هایی همچون استقلال، باورهای دینی، عزت ملی و مقاومت در برابر فشارهای خارجی به همبستگی می‌رسد، روان جمعی

محور دیگر، حمایت از جریان مقاومت بود. ایشان اعتقاد داشتند امنیت و اقتدار جمهوری اسلامی تنها در مرزهای جغرافیایی کشور تعریف نمی‌شود، بلکه تقویت جبهه مقاومت، بخشی از راهبرد کلان برای حفظ امنیت ملی و دفاع از منافع کشور است. از همین منظر، همواره بر ضرورت ایستادگی در برابر فشارها و تهدیدهای خارجی تأکید می‌کردند.

در کنار این مسائل، توجه به روحیه مردم نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. ایشان تلاش داشتند روحیه امید، استقامت و اعتمادبه‌نفس را در جامعه تقویت کنند و این باور را در میان مردم گسترش دهند که با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی می‌توان بر مشکلات غلبه کرد. این رویکرد، در مقاطع مختلف و به‌ویژه در شرایط دشوار، یکی از محورهای اصلی سخنان و سیاست‌های ایشان به شمار می‌رفت.

حضور گسترده مردم در مراسم مختلف وداع و تشییع چه پیامی برای جامعه، مسئولان و حتی مخالفان و دشمنان جمهوری اسلامی دارد؟

به نظر من، نخستین پیام این حضور، نشان دادن میزان علاقه و پیوند عاطفی مردم با شخصیت رهبر انقلاب است. گستردگی این حضور، بسیاری از تحلیل‌گران و حتی برخی سیاستمداران خارجی را نیز شگفت‌زده کرد. به گونه‌ای که برخی از آنان ادعاهای گزافه‌آمیزی کردند که مردم ایران تا این اندازه بارهبر خود پیوند عاطفی داشته باشند. این حضور، از سوی دیگر، نشان داد که مردم سالاری دینی همچنان از پشتوانه اجتماعی برخوردار است و در بزنگاه‌های مهم، بخش قابل توجهی از جامعه برای پاسداری ارزش‌هایی که به آن باور دارد، به میدان می‌آید.

البته من معتقدم مردم ایران میان شخصیت رهبر انقلاب و برخی اقداماتی که در سال‌های گذشته به نام ایشان صورت می‌گرفت،

نگاه رهبر انقلاب درباره نسبت میان ایرانیت و اسلامیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به باور من، ایشان هیچ‌گاه ایرانیت و اسلامیت را در تقابل یا یکدیگر نمی‌دیدند، بلکه معتقد بودند این دو، مکمل یکدیگرند و در کنار هم، هویت تمدنی ملت ایران را شکل می‌دهند. یکی از نمونه‌های روشن این نگاه، تأکید مکرر ایشان بر جایگاه زبان فارسی بود. ایشان بارها تصریح می‌کردند که تقویت زبان فارسی، صرفاً یک موضوع ادبی یا فرهنگی نیست، بلکه زبان فارسی حامل بخش مهمی از معارف اسلامی، فرهنگ ایرانی و تمدن ایرانی-اسلامی است. از همین رو، معتقد بودند این زبان باید تقویت شود و جایگاه شایسته خود را در عرصه بین‌المللی حفظ کند.

از تهران و قم تا عراق و مشهد؛ لایه‌های نمادین تشییع

است که سرمایه اجتماعی همچون آنچه در طول نزدیک به چهار ماه گذشته و در مراسمات وداع و بدرقه بروز و ظهور داشت، زمانی ماندگار می‌شود که مردم آثار آن را در کیفیت اداره کشور، کارآمدی نظام اجرایی، مبارزه با فساد، مقابله با رانت و بهبود شرایط زندگی خود مشاهده کنند. از این رو، قدرانی از چنین حضوری، نه با پیام‌های تشکر، بلکه با خدمت مؤثر، عدالت‌محوری و پاسخگویی به مطالبات عمومی معنا پیدا می‌کند.

مسیر تشییع پیکر رهبر شهید نیز واجد لایه‌های نمادینی بود که هر یک بخشی از هویت انقلاب اسلامی را بازتاب می‌دهد. تهران، به عنوان مرکز تصمیم‌گیری و محل شورای عالی امنیت ملی، این مراسم را با شکوهی بی‌نظیر برگزار کرد. این شهر، نماد تصمیم‌گیری و محلی شکل‌گیری شخصیت علمی و سیاسی رهبر شهید و پیوند عمیق تشییع پیکر مطهر در نجف و کربلا، در این میان، تشییع پیکر مطهر در نجف و کربلا، علاوه بر ابعاد معنوی، از منظر سیاسی و نمادین نیز واجد اهمیت است. این بخش از مراسم، نمادی از پیوندهای فراملی میان ملت‌های مسلمان و بازتابی از شبکه روابط فرهنگی و اعتقادی شکل گرفته در منطقه است؛ پیوندی که نشان می‌دهد تعامل جمهوری اسلامی با بخش مهمی از جهان اسلام صرفاً در چارچوب مناسبات رسمی دولت‌ها تعریف نمی‌شود، بلکه بر پایه اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی نیز استوار است.

فراموش نکنیم که رسانه‌های خارجی و غربی حضور مردم در تهران را تا ۲۰ میلیون نفر تخمین زدند. در قم هم بالغ بر ۵ میلیون نفر حضور داشتند. اما اکنون مهم‌ترین پرسش این نیست که چند میلیون نفر در تشییع حضور داشتند؛ بلکه این است که چگونگی می‌توان این سرمایه اجتماعی را به فرصتی برای تقویت انسجام ملی، افزایش اعتماد عمومی و ارتقای کارآمدی نظام حکمرانی تبدیل کرد. این حضورهای چندین میلیونی در مراسمات وداع و بدرقه مسئولیت‌مستولین را سنگین‌تر می‌کند. اگر این حضور تاریخی به نقطه آغاز اصلاح، خدمت و همدلی بیشتر میان مردم و مسئولان بدل شود، تشییع رهبر شهید تنها یک واقعه ماندگار در حافظه تاریخی ملت ایران نخواهد بود، بلکه به نقطه عزیمت مرحله‌ای تازه در حیات سیاسی و اجتماعی کشور تبدیل خواهد شد.

تفاوت قائل هستند. بسیاری از مردم، شخصیت ایشان را شخصیتی ممتاز، کم‌نظیر و اثرگذار می‌دانستند، اما در عین حال ممکن است نسبت به برخی عملکردها با تصمیم‌هایی که به نام ایشان ثبت شده یا از سوی برخی مسئولان به ایشان منتسب می‌شود، نقد یا گلایه داشته باشند. این دو را نباید با یکدیگر خلط کرد؛ زیرا مردم معمولاً میان اصل شخصیت و نحوه عملکرد برخی مجریان تفاوت قائل می‌شوند.

این روزها شاهد بودیم که افراد با سلیق، گرایش‌ها و نگاه‌های مختلف در کنار یکدیگر حضور یافتند و با وجود تفاوت دیدگاه‌ها، در یک موضوع مشترک به وحدت رسیدند. این اتفاق نشان می‌دهد که جامعه ایران، در مقاطع حساس، همچنان ظرفیت همگرایی و انسجام ملی را دارد.

رهبر انقلاب در سال‌های اخیر بارها بر اهمیت دفاع از ایران، حفظ استقلال کشور و تقویت روحیه وطن‌دوستی تأکید کرده بودند. امروز نیز می‌توان مشاهده کرد، که برای بسیاری از مردم، ایران، مقاومت و استقلال، مفاهیمی به‌هم‌پیوسته هستند و تجلی از شخصیت ایشان، در واقع تجلی از همین منظومه فکری است.

نگاه رهبر انقلاب درباره نسبت میان ایرانیت و اسلامیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به باور من، ایشان هیچ‌گاه ایرانیت و اسلامیت را در تقابل یا یکدیگر نمی‌دیدند، بلکه معتقد بودند این دو، مکمل یکدیگرند و در کنار هم، هویت تمدنی ملت ایران را شکل می‌دهند. یکی از نمونه‌های روشن این نگاه، تأکید مکرر ایشان بر جایگاه زبان فارسی بود. ایشان بارها تصریح می‌کردند که تقویت زبان فارسی، صرفاً یک موضوع ادبی یا فرهنگی نیست، بلکه زبان فارسی حامل بخش مهمی از معارف اسلامی، فرهنگ ایرانی و تمدن ایرانی-اسلامی است. از همین رو، معتقد بودند این زبان باید تقویت شود و جایگاه شایسته خود را در عرصه بین‌المللی حفظ کند.

مجتبی ذوالنوری

نماینده قم در مجلس شورای اسلامی

تشییع پیکر مطهر رهبر شهید را نمی‌توان صرفاً در چارچوب یک آیین سوگوار یا بدرقه یک شخصیت سیاسی و مذهبی تحلیل کرد. این رخداد، به دلیل گستره حضور مردمی، تنوع جغرافیایی آن و بازتابی که در سطح منطقه و جهان یافت، به یک «رویداد سیاسی» تبدیل شد که حامل پیام‌هایی فراتر از یک مراسم تشییع بود. اهمیت این پیام‌ها نیز پیش از آنکه به جمعیت حاضر در خیابان‌ها وابسته باشد، به معنای بازمی‌گردد که این حضور در فضای داخلی و محیط بین‌المللی تولید کرد.

نخستین پیام این مراسم، بازتعریف نسبت مردم ایران با روایت‌هایی بود که طی هفته‌های گذشته از سوی دشمنان جمهوری اسلامی مطرح می‌شد. در حالی که برخی رهبران غربی و رژیم صهیونیستی اقدامات خود را با ادعای حمایت از مردم ایران توجیه می‌کردند، حضور گسترده مردم در مراسم بدرقه رهبر شهید، روایت دیگری را به نمایش گذاشت؛ روایتی که بر استقلال‌آزاده ملت ایران و حق آنان برای تعیین سرنوشت کشورشان تأکید داشت.

پیام دوم، استمرکات یک مسیر بود. تشییع رهبر شهید، پیش از آنکه وداع با یک فرد باشد، اعلام وفاداری به یک مکتب و یک منظومه فکری تلقی شد. از همین منظر، حضور مردم را می‌توان تجدید بیعت با آرمان‌های انقلاب اسلامی، امامین انقلاب، امام راحل عظیم‌الشان و امام شهید و همچنین بیعت با خلف صالح ایشان حضرت آیت‌الله آقا سید مجتبی خامنه‌ای و استمرار نظام جمهوری اسلامی ایران دانست. در واقع، جامعه حاضر در این مراسم تلاش کرد این پیام را منتقل کند که شهادت، هرچند ضایعه‌ای بزرگ است، اما به گسست در مسیر انقلاب منجر نخواهد شد.

در کنار این پیام‌ها بخش مهمی از شعارهای مردم بر مفاهیمی چون مقاومت و ایستادگی تأکید داشت. فارغ از هرگونه تحلیل سیاسی، این شعارها نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از افکار عمومی انتظار دارد تصمیم‌گیری‌های آینده کشور با حفظ اصول و آرمان‌هایی صورت گیرد که شهیدان برای آن جان خود را فدا کرده‌اند. از این منظر، مراسم تشییع تنها یک وداع نبود؛ بلکه بازتاب انتظارات مردمی، نه خطاب به بیرون از مرزها، بلکه متوجه مسئولان کشور بود. تجربه‌های تاریخی نشان داده



وداع و مجاهدت

پاسداشت مجاهدت

سیاسی



چهارشنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۵
شماره ۲۳ محرم ۱۴۴۸

سال سی و دوم
شماره ۹۰۶۷

Wednesday
8 July 2026
Vol 9067